کلاهبرداری یک میلیاردی سایت‌های همسریابی و صیغه

معاون اجتماعی پلیس فتا با اشاره به این‌که سایت‌های همسریابی و صیغه‌یابی بستری برای کلاهبرداری است، گفت: تاکنون، هیچ‌گونه مجوز قانونی مبنی بر فعالیت این سایت‌ها و کانال‌ها صادر نشده است. به گزارش جام‌جم، سرهنگ رامین اظهارکرد: بر اساس تجزیه و تحلیل پرونده‌ها و شکوائیه‌های قضائی به پلیس فتا، همه روزه شاهد دریافت پرونده‌های متعدد کلاهبرداری‌های مالی بالغ بر یک میلیارد تومان یا سایر تهدیدات در حوزه مراجعه به سایت‌های همسریابی و صیغه‌یابی از شهروندان هستیم که عمدتا در پیام‌رسان‌های غیربومی فعالیت می‌کنند. با توجه به فعالیت غیرقانونی سایت‌های همسریابی و صیغه‌یابی در فضای مجازی که در اکثر مواقع باعث تحمیل خسارت‌های مالی، کلاهبرداری و اخاذی از مراجعه‌کنندگان می‌شود، موضوع به صورت دائمی در رصد کارشناسان پلیس فتا قرار دارد و در صورت مشاهده موارد مجرمانه و سایت‌های مشابه مراتب به منظور اقدام قضایی برابر قوانین و مقررات در دستور کار این پلیس قرار می‌گیرد.

عکس‌ها: مجید آزاد جام‌جم

در سالروز حادثه پلاسکو، دود آتش‌سوزی در باربری، آسمان پایتخت را سیاه کرد

آتش در بارانداز

انگار دی ماه بدون حادثه و آتش‌سوزی بزرگ قصد پایان ندارد. در آخرین ساعت‌های دی‌ماه و در حالی که خانواده شهدا و جانباختگان پلاسکو در حال برگزاری مراسم یادبود بودند دود سیاهی آسمان آبی شهر را سیاه کرد؛ دودی که از هر نقطه‌ای از پایتخت دیده می‌شد. خبر از آتش‌سوزی مهیبی می‌داد. هر لحظه بر شدت و سیاهی آن افزوده می‌شد تا این‌که ساعت ۱۷، سخنگوی آتش‌نشانی تهران از آتش‌سوزی در یک باربری در خیابان شوش خبر داد.

به گفته شاهدان ماجرا، در این باربری چند انبار وجود داشت که شعله‌های آتش از انبار دوم آن آغاز و قبل از این‌که آتش‌نشانان در محل حاضر شوند به‌خاطر وضعیت نامناسب بارانداز‌ها به دیگر انبارها سرایت کرد.

یکی از انبارداران محل آتش‌سوزی به جام‌جم گفت: آتش‌سوزی در باربری وطن حدود ساعت ۱۶ و ۴۰ دقیقه شروع شد و خیلی زود گسترش پیدا کرد. این باربری یکی از بزرگترین بارانداز‌های قدیمی تهران را دارد. مساحت آن حدود ۱۲ هزار متر است و روزانه بیش از ۱۰۰ کامیون و تریلر وارد این انبار می‌شود.

در آنجا بار زیاد انبار نمی‌شد و اصول ایمنی خوب رعایت می‌شود؛ نمی‌دانم چرا یک‌دفعه آتش گرفت. شدت دود آتش در حدی بود که در کمتر از ۱۰ دقیقه آسمان را سیاه کرد. آتش‌نشانان خیلی زود خود را به محل رساندند و کارگران و رانندگانی که آنجا بودند توانستند قبل از این‌که آتش به آنها آسیبی برساند از باربری خارج شوند.

هیچ مصدومی نداشت

صابریان، رئیس اورژانس تهران با اشاره به حادثه شوش گفت: پس از آتش‌سوزی در یک باربری در چهارراه تختی، تعدادی موتورلانس، آمبولانس و اتوبوس-آمبولانس به محل اعزام شد. این آتش‌سوزی کشته و مصدومی نداشت.

توقف مسافرگیری در مترو

با توجه به این‌که کانون آتش‌سوزی در نزدیکی ایستگاه متروی شوش بود، برای ساعاتی مسافرگیری در این ایستگاه متوقف شد.

براساس اعلام روابط عمومی مترو این اقدام برای سلامت مسافران انجام شد.

آتش در انبار لاستیک و روغن

جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران پس از مهار آتش‌سوزی در باربری گفت: این انبار حدود ۱۲ هزار متر مساحت دارد که بخشی از آن با سقف‌های شیروانی محل انبار کالاست. در مساحتی حدود ۲۰۰۰ متر انبارهای کوچکی قرار داشت که شعله‌ور شده و سقف‌های آن بر اثر حرارت تخریب شده بود. در این بخش اجناسی مثل روغن موتور و لاستیک خودرو نگهداری می‌شد.

وی ادامه داد: بعد از اطلاع حادثه به آتش‌نشانی، آتش‌نشانان شش ایستگاه راهی محل شده و حدود ساعت ۱۹ شعله آتش مهار شد و آتش‌نشانان عملیات لکه‌گیری را آغاز کردند.

کشف ۲ هزار قبضه سلاح قاچاق در تهران

فرمانده نیروی انتظامی از کشف ۲ هزار قبضه سلاح شکاری غیرمجاز در پایتخت خبر داد.

به گزارش جام‌جم، سردار حسین اشتری دیروز در حاشیه بازدید از نمایشگاه کشفیات پلیس تهران بزرگ گفت: پلیس تهران برای افزایش امنیت در پایتخت اقدامات خوبی انجام داده که یکی از این اقدامات کشف ۲ هزار سلاح شکاری غیرمجاز قاچاق است.

این سلاح‌ها می‌توانست برای اهداف شوم توزیع شود و بر امنیت مردم تاثیر بگذارد. وی در ادامه از برخورد قاطع پلیس با اراذل و اوباش خبر داد و گفت: هر شخصی که با حرکت غیرقانونی باعث نگرانی مردم شود، پلیس مقتدرانه با او برخورد می‌کند؛ چراکه پلیس حافظ جان و مال و ناموس مردم است و در برابر افرادی که بخواهند آرامش مردم را سلب کنند مقتدرانه برخورد خواهد کرد. گزارش‌ها حاکی از کاهش تعداد اراذل و اوباش در تهران است و تیم‌های پلیس منتظر گزارش هستند تا تیم ضربت به محل اعزام شود.

اشتری به آمار کشفیات موادمخدر در تهران اشاره کرد و افزود: در ۹ ماه اخیر حدود ۲۳ تن موادمخدر در تهران کشف شده که ۲۱ درصد نسبت به سال قبل افزایش یافته است. اگر این ۲۳ تن در تهران توزیع می‌شد جوانان بسیاری را معتاد و خانواده‌ها را متلاشی می‌کرد.

زن تبهکار مدرک جعلی پزشکی می‌فروخت

زن تبهکار که با تشکیل باندی با فروش مدارک جعلی پزشکی دانشگاه‌های خارجی ۱۰ میلیارد تومان کلاهبرداری کرده بود، دستگیر شد. به گزارش خبرنگار جام‌جم، چند روز قبل ماموران پلیس امنیت عمومی البرز در جریان رصدهای خود متوجه شدند یک زن با تشکیل باندی اقدام به جعل مدارک دانشگاهی پزشکی از دانشگاه‌های خارج از کشور و فروش آن به صورت میلیونی به متقاضیان می‌کند. بررسی‌ها نشان می‌داد این شبکه به صورت حرفه‌ای اقدام کرده و حتی برای مدارک، تائیدیه‌های معتبر هم می‌دهند. سرکرده این شبکه در منطقه مهرشهر شناسایی و در عملیاتی دستگیر شد. در بازرسی از خانه این زن، تعدادی اوراق و مدارک تحصیلی مربوط به افراد مختلف و یک دستگاه شوکر بدون مجوز، کشف شد.

در ادامه دو عضو دیگر این باند در دو منطقه دیگر کرج دستگیر شدند که در جریان تحقیقات به جعل مدارک پزشکی دانشگاه‌های خارج از کشور و ثبت آنها در سیستم‌های دانشگاه اعتراف کردند. متهمان مدعی شدند، مدارک را به قیمت ۲۰۰ تا ۷۰۰ میلیون تومان می‌فروختند و از این راه ۱۰ میلیارد تومان به جیب زده بودند. اعضای این باند تاکنون از ۴۰ نفر در استان‌های مختلف کشور کلاهبرداری کرده‌اند که ۲۰ نفر از خریداران مدارک جعلی شناسایی شده و برای آنها پرونده تشکیل شده است.

غرق شدن خواهر و برادر خردسال در کانال آب

داغ سنگین «آیه» و «عباس»

خواهر و برادر خردسال هنگام بازی مقابل خانه‌شان به داخل کانال آب سقوط کرده و تلاش اهالی برای نجات آنها بی‌نتیجه ماند

لیلا حسین‌زاده

حوادث

این روزها، کانال آب بسیاری از روستاهای بوشهر شده بلای جان بچه‌ها. کانال‌ها حفاظ و فنس ندارد، اگر هم داشته باشد، نیم‌بند است و همان نیم‌بند هم نباشد، فرقی به حال امنیت بچه‌ها نمی‌کند. یک ماه پس از مرگ فاطمه، دختربچه پنج‌ساله اهل روستای حاجی خادمی شهرستان میناب در کانال آب، این‌بار نوبت آیه و عباس سهانیان، خواهر و برادر دو و پنج‌ساله اهل روستای محمد جمالی بخش شبانکاره دشتستان بود که قربانی کانال‌های بی‌در و پیکری شوند که در بیشتر روستاها روان است.

پدر و مادر، داغدار عباس و آیه هستند. نه آنها مرگ نوگل‌هایشان را باور دارند و نه اهالی روستا که می‌دانستند آنها با چه امید و آرزویی، سال‌ها منتظر داشتن فرزند بودند. پدر و مادر بچه‌ها، آنها را با کلی نذر و نیاز از خدا گرفته بودند، اما حالا باید مراسم عزایشان را برگزار کنند و برایشان سیاه بپوشند.

عموی بچه‌ها هم در غم و اندوه، دست‌کمی از برادر و همسر برادرش ندارد. بارها از ته دل آه می‌کشد تا یک جمله بگوید. او به جام‌جم می‌گوید: «پدر و مادر بچه‌ها حال روحی مناسبی ندارند و من هم دست‌کمی از آنها ندارم. از این غم دیوانه شده‌اند. ای‌کاش این اتفاق نمی‌افتاد. می‌دانید، آنها سال‌ها دوا و درمان کردند تا بچه‌ها به دنیا بیایند، حالا جفت‌شان را از دست داده‌اند. ای‌کاش این‌طور نمی‌شد.»

عموی بچه‌ها ادامه می‌دهد: «بچه‌ها همیشه عادت داشتند مقابل خانه‌شان بازی کنند. سه روز پیش هم همین‌طور شد و به هوای بازی از خانه بیرون آمدند. مادرشان هم با این‌که پایش شکسته و در گچ بود، اما حواسش به آنها بود.»

درست ۷۰۰ متر دورتر از خانه آیه و عباس، یک کانال آب وجود دارد که کشاورزان از آب آن برای کشاورزی استفاده می‌کنند و به گفته اهالی روستا، هیچ حفاظی دوروبرش نیست.

بچه‌ها روز حادثه به هوای بازی از خانه بیرون آمدند. دختردایی‌شان هم همراه‌شان بود، اما هنگام بازی‌کردن، ناگهان درون آب سقوط کردند: «متاسفانه کانال آب عمق زیادی دارد و اگر کودکی درون آن سقوط کند، به احتمال زیاد جانش را از دست می‌دهد. آن روز وقتی آیه و عباس درون آب افتادند، دختردایی‌شان دوان‌دوان به خانه آمد و موضوع را به مادرشان خبر داد. او نمی‌توانست با پای شکسته حرکت کند، به همین خاطر اهالی که متوجه حادثه شده بودند، بچه‌ها را از آب بیرون کشیدند و به درمانگاه بردند. دکترها و پرستارها خیلی تلاش کردند تا با احیا و شوک دادن جان بچه‌ها را نجات دهند، اما متاسفانه هیچ فایده‌ای نداشت و ما هر دو را از دست دادیم.»

صدایمان را به گوش مسؤولان برسانید

لحن عموی بچه‌ها پر از درد است. با التماس و خواهش از ما می‌خواهد درد مرگ برادرزاده‌هایش را به گوش مسؤولان بوشهر برسانیم و به آنها بگوییم به داد روستا برسید و دور کانال آب را حصار و فنس‌کشی کنید تا هیچ کودک دیگری در آن غرق نشود: «ما دست‌مان به هیچ‌جا بند نیست، جز رسانه و خبرنگارانی مثل شما که دردمان را به گوش مسؤولان استان‌مان برساند. اگر اطراف این کانال ایمن‌سازی نشود، آیه و عباس‌های دیگری هم قربانی خواهند شد. در روستاهای دیگر هم می‌دانم بچه‌هایی در کانال آب غرق شده‌اند، اما شما را به خدا کمک‌مان کنید بیایند دور این کانال فنس‌کشی و تابلوی هشدار نصب کنند.»

تلنگر

سرنخ دستگیری رمالان دزد در بوم زن نقاش

مادر و دختر جیب‌بر بعد از آزادی از زندان با راه‌اندازی صفحه‌ای در اینستاگرام و با معجون بیهوشی، طلا و اموال دختران و زنان را سرقت می‌کردند. آخرین طعمه این سارقان یک نقاش بود که چهره آنها را نقاشی کرد و پلیس را به هویت آنها رساند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، اوایل آذر امسال دختر جوانی با حضور در شعبه چهارم دادیاری دادسرای ناحیه ۳۴ تهران، از دو زن به خاطر سرقت شکایت کرد. پس از این شکایت، پرونده به پلیس آگاهی رفت و شاکی در تحقیقات گفت: «۴۰ ساله‌ام و هر بار که فردی به خواستگاری‌ام می‌آمد، به عناوین مختلف مراسم به‌هم می‌خورد و نمی‌توانستم ازدواج کنم. بعد از دوستی با دختری در اینستاگرام، او مرا با رمالی آشنا کرد که مدعی بود یک زن رقیبم است و طلسم‌ها و نسخه‌های نحسی برای حضور ارواح، در خانه‌ام گذاشته که باید آنها را بشکند. در نبود خانواده‌ام، زن رمال و دوست اینترنتی‌ام به خانه‌مان آمدند. طلاهای خودم، خانواده‌ام و ساعت طلای مادرم را مقابل زن رمال گذاشتم تا وردهایی را در آن بخواند و طلسم ازدواجم شکسته شود، بعد معجونی به من داد که با خوردن آن، بی‌هوش شدم. وقتی به‌هوش آمدم، فهمیدم طلاها را دزدیده و فرار کرده‌اند. تلفن هر دوی آنها خاموش و اینستاگرام زن رمال نیز مسدود شده است.»

همزمان با شروع تحقیقات پلیسی، چند زن و دختر دیگر هم از متهمان فراری شکایت کردند تا این‌که هفته گذشته زنی با مراجعه به پلیس آگاهی تهران، با طرح شکایتی مشابه گفت: «چون با شوهرم اختلاف داشته و بد اخلاق بود سراغ یک رمال اینستاگرامی رفتم. چند روز بعد زن رمال و دستیارش به خانه ام آمدند. او وردهایی را روی طلاهایم خواند. بعد معجونی داد که نوشیدم و حالم بد شد. به زور می‌گفت باید بقیه آن را بخوری که شک کرده، با آنها درگیر شدم و کلاه‌گیس هردوی‌شان افتاد. در همین حال بی‌هوش کناری افتادم و آنها طلاهایم را سرقت کردند. چون نقاش هستم، توانستم تصاویر دو زن سارق را طراحی کنم.

وقتی ماموران چهره نقاشی‌شده دزدان را با تصاویر متهمان در بانک مجرمان پلیس آگاهی بررسی کردند، رد مادر و دختر جیب‌بر سابقه‌دار را به دست آوردند. آنها چند ماه قبل از زندان آزاد شده و این بار به این شیوه سرقت می‌کردند.

متهمان دو روز پیش بازداشت و به جرم خود اعتراف کردند. شهین در بازجویی‌ها گفت: من و دخترم سال‌ها بود در بازار، مترو و اتوبوس پول و گوشی زنان و دختران را سرقت می‌کردیم. به همین جرم بازداشت شده و به زندان افتادیم. دو سال حبس بودیم که آزاد شدیم، به خاطر شرایط شیوع کرونا نمی‌شد که به‌راحتی از مسافران اتوبوس و مترو سرقت کنیم. بنابراین تصمیم به سرقت به شیوه رمالی گرفتیم. در اینستاگرام تبلیغات رمالی می‌کردیم. دخترم نیز در فضای مجازی با دختران و زنان برقرار کرده و آنها را به من معرفی می‌کرد. من به خانه‌های‌شان می‌رفتم و بطری معجون مسموم را هم می‌بردم. زنان ساده‌لوح طلا، سکه و ساعت طلا برایم می‌آوردند که وردهای حل مشکل را برای‌شان بخوانم. برای این‌که چهره واقعی‌مان لو نرود، ماسک بهداشتی داشتیم و کلاه‌گیس برسر می‌گذاشتیم. بعد از آن‌که سوژه‌ها معجون مسموم را خورده و بیهوش می‌شدند، ما اموال را دزدیده و فرار می‌کردیم.

دادیار شعبه چهارم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: با اعتراف زن رمال و دخترش، تحقیقات از آنها برای رازگشایی از دیگر جرایم‌شان ادامه دارد.